

معرفی بانکداری و تامین مالی اسلامی

علی فهیمی نیا^۱

چکیده:

هدف: معرفی بانکداری و تامین مالی اسلامی می باشد. روش تحقیق: به صورت توصیفی و تحلیلی و استدلالی می باشد و از منابع و متون معتبر کتابخانه‌ای، استنادی و شبکه جهانی اینترنت نیز استفاده شده است. از نظرات متخصصان و کارشناسان خبره در این حوزه و اساتید دانشگاهی نیز برای افزایش غنای نتایج کمک گرفته شده است. از روش دلفی تعدیل شده جهت تایید نتایج استفاده گردید. نتیجه گیری: بررسی ها نشان می دهد برای اینکه بانک ها تبدیل به بانک اسلامی شوند لازم است شرایطی را که مد نظر بانکداری اسلامی است را در خود ایجاد و استقرار سازند. این شرایط بر گرفته از فقه اسلامی می باشد مانند:

۱- دوره گذار از بانکداری بدون بهره به الگوی دارایی محور

۲- قیمت گذاری خدمات مالی اسلامی

۳- حفاظت از اصول سرمایه گذاری در سهام و اوراق بهادار

۴- نوآوریهای مالی اسلامی

۵- قانونمند کردن خدمات مالی اسلامی

۶- حرکت به سوی نظریه بنگاه مالی اسلامی

۷- بانکداری بدون ربا

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، تامین مالی اسلامی، ربا

^۱ کارشناس ارشد مدیریت دولتی - گرایش مالی

مقدمه

معرفی بانکداری و تامین مالی اسلامی

بانکداری و تامین مالی اسلامی را می توان از دو دیدگاه مورد بحث و بررسی قرار داد. اولین دیدگاه معتقد است که بانکداری و تامین مالی اسلامی اساساً بانکداری متداول است که در درون خود پیش نیازها و مقتضیات دین را لحاظ کرده و همگام با این مقتضیات حرکت می کند. در نتیجه این نوع بانکداری را می توانیم مدل بانکداری مطابق با شریعت و یا بانکداری حلال بنامیم. این معنا توسط متخصصین بانکداری و تامین مالی اسلامی مدنظر قرار گرفته است. این دیدگاه به طور بنیادین موید بانکداری و مالی غربی با پیش فرض های اسلامی است. نهادها یکسری خدمات تامین مالی اسلامی ارائه می کنند که از یک سو مقتضیات دین اسلام را لحاظ می کنند و از سوی دیگر مقتضیاتی را که از الزامات نهادی، می نامیم، مدنظر قرار می دهند.

دومین دیدگاه که بدان می پردازیم، بانکداری اسلامی را به عنوان بخشی از یک نظام اسلامی بر می شمارد. این دیدگاه توسط اقتصاددانان اسلامی متقدم و محققان اسلامی علاقه مند به این مباحث مطرح شده است. مطابق این دیدگاه، باید بانکداری و تامین مالی اسلامی را در جهت نیل به اهداف سیاسی نظام اسلامی به طور کلی و نظام اقتصادی اسلامی به طور خاص به کاربرد. اهداف اصلی نظام اسلامی عبارتند از: توزیع عادلانه منابع، دست یابی به عدالت در جامعه، عدالت اجتماعی و برابریهای اقتصادی با نگاهی به جهان اسلام یا اقتصادهای اسلامی در تمخام جهان مشاهده می کنیم که آنها با معضل فقر گسترده مواجه هستند. (عیوض لو & بکی حسکوئی، ۱۳۸۸)

پیشینه بانکداری و تامین مالی اسلامی

حال این سوال برای کسانی که با بانکداری و تامین مالی اسلامی آشنایی کافی ندارند مطرح می شود که بانکداری و تامین مالی اسلامی چگونه آغاز شد؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که بانکداری و تامین مالی اسلامی یک پدیده مدرن و جدیدی است که از حدود ۵۰ سال قبل آغاز شده است، یعنی پدیده ای که پس از سال ۱۹۵۰ به وقوع پیوسته است.

در سال ۱۹۶۳ بانکداری و تامین مالی اسلامی برای اولین بار در مصر با تأسیس بانک پس اندازهای روستایی MT قمر آغاز شد. در همین زمان، طی سالهای ۶۴-۱۳۶۳ تجربه دیگر در مالزی به وقوع پیوست که بعنوان تابون حاجی شناخته می شد. تجربه بانکداری اسلامی در پاکستان با تأسیس بانک تعاونی در کراچی در سال ۱۹۶۵ آغاز شد که تا حد زیادی موفقیت آمیز نبود. در مجموع از دو تجربه اول بانکداری و تامین مالی اسلامی، تأسیس بانک MIT قمر تجربه موفق بود. اما این بانک هم تنها در حدود ۴ تا ۵ سال به کار خود ادامه داد و سرانجام اواخر سال ۱۹۶۴ و اوایل ۱۹۶۵ به دلایل غیر اقتصادی به کار خود پایان داد.

تجربه مالزی تجربه ای بسیار موفقیت آمیز بود، که نمونه ای بارز از تکامل بانکداری و تأمین مالی اسلامی در دهه های اخیر به شمار می رود. در مجموع نمونه های بسیار کمی در سالهای اولیه وجود دارند که بانکداری و تأمین مالی اسلامی را بکار گرفته باشند. در این میان مالزی با تأسیس خدمات مالی اسلامی تابون حاجی جایگاه برجسته ای در پیشینه بانکداری و تأمین مالی اسلامی دارد. در سال ۱۹۶۳، تابون حاجی بانک دیگری که یک بانک تجاری اسلامی بود و به نام بانک اسلامی مالزی تأسیس کرد و تابون حاجی سرمایه مناسبی برای آن فراهم کرد. بنابراین تجربه مالزی، تجربه ای بود که توسط سایر کشورها دنبال شد.

پاکستان که قبلاً پیشگام در توسعه بانکداری و تأمین مالی اسلامی بود، از جمله رهروان کشور مالزی در این مقوله شد. در میان پیشگامان بانکداری و تأمین مالی اسلامی یعنی مصر، پاکستان و مالزی، کماکان کشور مالزی به فعالیت های خود ادامه می دهد در حالی که کشور مصر تاحدی از این کار بازمانده است. اما به تازگی در ابتدای قرن حاضر پس از معرفی نظام بانکی دوگانه در پاکستان گرایش فزاینده ای به بانکداری و تأمین مالی اسلامی در این کشور به وجود آمده است. (عیوض لو & مرتضی، بانکداری و تأمین مالی اسلامی، ۱۳۸۸)

بحران مالی اخیر که از بحران وامهای رهنی در اواخر سال ۲۰۰۶ میلادی در آمریکا نشأت گرفت، بدترین بحران، پس از بحران بزرگ سال ۱۹۲۹ م، در نظام سرمایه داری محسوب می شود. وقوع بحران در نظام سرمایه داری پدیده جدیدی نیست و برخی کارشناسان حتی از این فراتر رفته و بحران را جزء، نهفته در ذات اقتصاد سرمایه داری میدانند. (سالم & همکاران، ۱۳۹۴)

هم اکنون، خاورمیانه به عنوان کانون بانکداری و تأمین مالی اسلامی محسوب می شود که به عقیده بسیاری دلیل این امر تا حدی زیادی مشخص است، زیرا آنچه پول اسلامی نامیده می شود در منطقه خاورمیانه جریان دارد و موسسات مالی یا موسسات ارائه دهنده خدمات مالی در جایی رشد می کنند که پول جریان دارد. علاوه بر کشورهای بحرین و امارات متحده عربی در خاورمیانه، کشور مالزی نقش بسیار مهم و هدایت کننده ای در زمینه بانکداری و تأمین مالی اسلامی داشته است. همچنین همسایه مهم مالزی یعنی کشور اندونزی گرایش فزاینده نسبت به بانکداری و تأمین مالی اسلامی یافته است که هم در زمینه موسسات آموزشی و هم اجرای این شیوه جدید بانکداری در حال ظهور به فعالیت مشغول است. (عیوض لو & بکی حسکوئی، ۱۳۸۸)

- ضرورت بانکداری و تأمین مالی اسلامی

با نگاهی به آثار محققان و متفکران اسلامی دهه های پنجاه، شصت و هفتاد میلادی در می یابیم که بسیاری از این متفکران سازوکار ربا را مورد انتقاد قرار داده اند و بسیاری از آنها علت عدم پیشرفت جوامع مسلمین در جهان را سازوکار نرخ بهره می دانند. در عوض پیشنهاد می کنند که باید یک نظام

بانکداری و تأمین مالی اسلامی به عنوان جانشینی برای این جوامع به وجود آید که بتواند در کاهش فقر و نابرابری های درآمدی کشورهای مسلمان موثر واقع شود و در صورت موفقیت این تجربه، باید از آن نظام در افزایش رفاه انسانی برای سایر کشورها استفاده شود. در نتیجه نیاز اقتصاد به یک جایگزین اسلامی از این تفکر ناشی شد که باید سازوکارهای مرتبط با ربا را از جامعه حذف کرد. ایده اولیه بانکداری و تأمین مالی اسلامی ایجاد یک نظام بانکداری بود که بتوان از آن در جهت توسعه اقتصادی- اجتماعی جوامع مسلمین استفاده کرد و به تکیه بر آن اهداف عدالت و مساوات را برای همه افراد جامعه بدون هیچ تبعیضی به وجود آورد. ایده بانکداری اجتماعی یا جمعی محور اصلی جنبش اولیه بانکداری و تأمین مالی اسلامی بود و شاید به همین دلیل اولین بانک اسلامی که یک بانک پس انداز روستایی در مصر است، یک بانک اجتماعی بود. نمونه مصر تنها مثالی نیست که نقش توسعه اقتصادی - اجتماعی را در نظام بانکداری برجسته می سازد. با نگاهی به تأسیس بانک توسعه اسلامی در سال ۱۹۷۴ به سادگی در می یابیم که تأکید بر توسعه، برابری اجتماعی و بانکداری جمعی در این بانک نیز وجود داشته است. هنگامیکه اقتصاد اسلامی مدل سازی بانکداری و تأمین مالی اسلامی را آغاز کرد، از سهم کردن در سود و زیان (PLS) به عنوان روش تأمین مالی استفاده می کرد و بر مالکیت سود هر دو طرف سهامداران بانک و سپرده گذاران تأکید می ورزید. الگوی ابتدایی بانکداری و تأمین مالی اسلامی و شاید قدیمی ترین آنها، الگویی است که بر مضاربه یا همان سهم کردن در سود و زیان برای هر دو طرف دارائیها و بدهیها، استوار است، که به آن مضاربه دو طرفه ای، نیز می گویند، زیرا بانک از یک طرف منابع مالی را از پس اندازکنندگان براساس قرارداد مضاربه جمع آوری می کند از طرف دیگر برای ندریت وجوه براساس قرارداد مضاربه دیگری مجدداً سرمایه گذاری می کند. در اجین مدل بانکداری برسهیم کردن در سود و زیان و انگیزه سود تأکید می شود.

بانک های خصوصی یا بانک های اسلامی خاص ابتدا در جهان اسلام به وجود آمدند. اولین بانک در این راستا، بانک اسلامی توسعه بود که در سال ۱۹۷۴ تأسیس شد و پس از آن تعدادی بانک اسلامی دیگر در گوشه و کنار جهان تأسیس شدند. با اجرای بانکداری و تأمین مالی اسلامی و استفاده از مضاربه و سایر روشها تأمین مالی با بازده ثابت مثل اجاره، این روش ها در نظام بانکداری رواج یافتند و در نتیجه اقتصاددانان اسلامی و سایر علاقه مندان به بانکداری اسلامی به ویژه در دهه ۸۰ دریافتند که روش سهم کردن در سود و زیان با استفاده روزافزون از مضاربه بویژه در طرف دارایی های عملیات بانکی به حاشیه رانده می شود. مسائل متداول بانکداری و تأمین مالی اسلامی به موارد زیر تقسیم شده اند:

- دوره گذار از بانکداری بدون بهره به الگوی دارایی محور
- قیمت گذاری خدمات مالی اسلامی
- حفاظت از اصول سرمایه گذاری در سهام و اوراق بهادار
- نوآوریهای مالی

• قانونمند کردن خدمات مالی اسلامی

• حرکت به سوی نظریه بنگاه مالی اسلامی

(عیوض لو & مرتضی، بانکداری و تأمین مالی اسلامی، ۱۳۸۸)

آقا نظری (۱۳۸۷) آورده است که به سبب وجود نرخ بهره در سیستم بانکداری متعارف، به لحاظ نظری قابل اثبات است که امکان استقلال بخش اعتباری از بخش حقیقی وجود دارد. اما در نظام مالی مبتنی بر سود حقیقی، بخش اعتباری تابعی از وضعیت بخش حقیقی است و این ویژگی یکی از مزایای بانکداری اسلامی نسبت به نظام متعارف است. سپس بهرغم برشمردن مزایای نظریه مشارکت در سود و زیان، به عنوان یکی از شیوه‌های تأمین و تخصیص منابع در بانکداری اسلامی، چالش‌های این روش را بیان و برای هر یک راهکاری را عنوان کرده است. (آقا نظری، ۱۳۸۷)

- ماهیت ربا در اسلام

عدالت اقتصادی- اجتماعی از جمله مهمترین اهداف همه جوامع بشری بوده است. در راستای دستیابی به این هدف مهم، عقاید متفاوتی در تعیین استراتژی لازم آن وجود دارد. علی‌رغم وجود این تفاوت‌ها، عنصر مشترک در چهار استراتژی مذهبی اصلی جهان- یعنی هندو، مسیح، یهود و اسلام همانا ممنوعیت بهره بوده است. از زمانی که پیروان سه مذهب هندو، یهود و مسیحیت ممنوعیت بهره را از این خود حذف نمودند، برخی از مسلمانان هم در پی همین شیوه یعنی حذف ممنوعیت بهره در اسلام برآمدند. این طور استدلال می‌کردند که آنچه که اسلام منع نموده است رباست و نه بهره. به عقیده آنها نرخ بهره بانکی ربا نمی‌باشد. اجماع کلی و رایجی که میان مسلمانان در طول تاریخ وجود داشته و هنوز هم ادامه دارد این است که مباحث مرتبط با ربا، نرخ بهره را نیز در بر می‌گیرد. این اجماع به طور واضح و روشن در عقاید مشترک بسیاری از فقها منعکس شده و آنها مباحث مربوط به ربا را در کنفرانس‌های بین‌المللی دنبال کرده‌اند. به عنوان مثال شورای ایدئولوژی اسلامی پاکستان به روشنی از این اجماع تبعیت نموده و دستور به حذف نرخ بهره از اقتصاد پاکستان داده است. به این دلیل که واژه ربا تمام مصادیق و مظاهر نرخ بهره را شامل می‌شود، بدون توجه به این نکته که آیا وام‌هایی که بهره به آنها تعلق می‌گیرد صرف امور تولیدی می‌شوند و یا مصرفی. یعنی اعطای هرگونه وام با بهره، چه برای امور تولیدی و چه جهت امور مصرفی، از مصادیق ربا محسوب می‌شود. در مجموع همه انواع دریافت‌ها و پرداخت‌ها با اضافه یک مبلغ اضافی- بهره- از مصادیق ربا می‌باشد.

- ممنوعیت ربا

ممنوعیت ربا در چهار آیه قرآن بیان شده است.

۱- سوره روم- آیه ۳۹: این آیه بر این نکته تأکید دارد که ربا چیزی را بر اموال و ثروت رباخوار اضافه نمی‌کند در حالی که انجام امور خیریه و صدقات ثواب و رحمت الهی را دوچندان می‌کند

۲- سوره نسا-آیه ۱۶۱: این آیه شریفه کسی را که ربا می گیرد هم تراز کسی می داند که اموال دیگران را به باطل تصاحب می کند و هر دو گروه را تهدید به تنبیه شدید الهی می کند.

۳- سوره آل عمران- آیات ۱۳۰ تا ۳۲: این آیه به مسلمانان دستور داده که اگر مایل به داشتن زندگی توأم با آسایش هستند، از ربا دوری کنند. (ای کسانی که ایمان آورده اید ربا نخورید که دائم سود بر سود بیفزاید تا چند برابر شود، از خدا بترسید تا شاید رستگار شوید و بپرهیزید از آتش که برای کیفر کافران افروخته اند و از حکم خدا و رسول او فرمان برید، باشد که مشمول رحمت و لطف خداوند شوید).

۴- سوره بقره -آیه ۲۷۹: چهامین آیه ربا که نزدیک به پایان عمر مبارک پیامبر (ص) نازل شده است، ربا خواران را شدیداً نکوهش کرده و آنان را هم تراز با کسانی که به جنگ با خدا و رسول او رفته اند می داند. در این آیه خداوند تمایز آشکاری بین ربا و تجارت قائل می شود و می فرماید که مسلمانان باید از هرگونه معامله ربوی دوری کنند و این دستور به آنها داده شده که در ضمن معاملات فقط مبلغ اصلی پول خویش را دریافت کنند و چیزی زیاده نگیرند.

ربا از نظر لغوی به معنای افزایش یا اضافه یا رشد است. البته هرافزایش یا رشدی که بوسیله اسلام ممنوع شده، ربا نیست. معنای فنی ربا در شرع (صرف) می باشد که این مبلغ باید بوسیله قرض گیرنده به قرض دهنده پرداخت شود، به این دلیل که قرض گیرنده مبلغی را از قرض دهنده برای مدت زمان معینی دریافت کرده و باید هنگام سررسید این مبلغ، مقداری اضافه به قرض دهنده بدهد. در این نگرش ربا معنای متمایز و مشابه نرخ بهره دارد و مطابق با اجماع تمامی علمای اسلام ممنوع می باشد. ربا در شرع به دو قسم تقسیم می شود:

۱- ربای نسیه

۲- ربای فضل

الف) ربای نسیه

واژه نسیه به معنای تأخیر انداختن یا منتظر ساختن، می باشد و به مقدار زمانی گفته می شود که قرض گیرنده برای بازپرداخت قرضش مهلت داده می شود تا قرضش را با مقداری صرف یا اضافه به قرض دهنده برگرداند. بنابراین ربای نسیه هم تراز با بهره ای است که بر روی وام ها یا قرض ها مطالبه می شود. در این مسأله باید به این مهم اشاره شود که انتظار قرض دهنده برای بازپرداخت وام ایجاد ارزش نمی کند تا بخاطر آن صرف بگیرد، لذا پرداخت نرخی ثابت در قرض به عنوان پاداش در برابر انتظار از سوی شارع مجاز شمرده نشده و ربا تلقی گردیده و حرمت آن به صراحت در آیه شریفه (أحل الله البیع و حرم الربا) بیان شده است. ذکر این نکته هم ضروری است که تفاوت نمی کند که این مبلغ اضافی پرداختی چقدر باشد، درصد ثابتی از مبلغ اسمی و یا درصدی متغییر از آن باشد و یا اصلاً یک شیء

خارجی باشد که همراه مبلغ اسمی به عنوان مبلغ زیاده پرداخت شود. همچنین به طور کلی نمی توان گفت که ممنوعیت ربا فقط برای وام های مصرفی بوده و شامل وام های تجاری نمی شود، چرا که اعطای هرگونه تسهیلات وام برای تأمین مالی بلندمدت چنانچه با پرداخت صرف همراه باشد، ربا محسوب می شود. بر همین اساس شیخ ابوزهرای یکی از مشهورترین دانشمندان اسلامی خاطر نشان می کند که هیچ شاهد و مدرکی وجود ندارد مبنی بر اینکه ربا در صدر اسلام و در زمان جاهلیت فقط مشتمل بر وام های مصرفی بوده و وام های تجاری را در بر نمی گرفته است. (عیوض لو & بکی حسکوئی، ۱۳۸۸)

مضافاً اینکه شواهدی وجود دارد مثل شرایط آن زمان عرب، موقعیت مکه و وضعیت تجاری قریش که همگی دلالت بر تجاری بودن وام ها در آن زمان دارند، لذا این استدلال که قرض های گذشته های دور را فقط مربوط به موارد مصرفی بدانیم غیر قابل دفاع است. شواهد قرآنی، همانطوری که بخشش اصل وام را هنگام مشقت و تنگدستی قرض گیرنده در وام های مصرفی امری خیر توصیف می کند، در مورد وام های تجاری هم، زمانی که قرض گیرنده حتی قادر به پرداخت اصل وام نیست، بخشش آن را توصیه می کند. بنابراین مشاهده می شود که وام های مصرفی و تجاری همه جا با یک نگاه دیده شده اند و احکام ربا مربوط به هر دو آنهاست.

این استدلال کلی که بهره تنها سبب مشقت و سختی برای فردی است که برای نیازهای مصرفی پول قرض می گیرد، بی پایه است. این مسئولیت جامعه اسلامی است تا نیازهای مصرفی شدید و حیاتی مردم فقیر را بر طرف نماید. در آن زمان اغلب نیازهای مصرفی ضروری از طریق انواع صدقات اسلامی مرتفع می شد و اکثر قرض های صدر اسلام شامل قرض های تجاری یا تولیدی بود.

(ب) ربای فضل :

ربای فضل مربوط به تجارت است و در قسنت اول آیه (احل الله البیع و حرم الربا) (۲۷۵ بقره) به آن پرداخته شده است. براین اساس ربای فضل را به هر گونه سوء استفاده، تحمیل ناعادلانه و بهره برداری نادرست در انجام معاملات مختلف نسبت داده اند. بنابراین هر نوع تجارتی که منجر به فریب یک طرف و یا سوء استفاده از او شود حرام بوده و باید ممنوع گردد.

در دوران جاهلیت تجارت همانند ربا و بهره در نظر گرفته می شده است، در حالی که قرآن بین تجارت و ربا تمایز قائل می شود. همچنین در حالی که تجارت یک سرمایه گذاری امیدوارانه با احتمال سودآوری است، اما همچنان با ریسک متحمل شدن زیان نیز روبرو است. در مقابل، در معاملات ربوی همواره نرخ ثابتی از پیش تعیین شده است و همیشه مثبت در نظر گرفته می شود، صرف نظر از اینکه تولید نهایی تجارت چه سودی یا زیانی را به همراه داشته باشد. در حالی که در واقع ممکن است سود تجارت مثبت یا منفی باشد، چراکه سود تجارت به عوامل زیادی بستگی دارد که خارج از حیطه کنترل سرمایه گذار است. اسلام بهره اضافی بر روی وام ها را ممنوع کرده، درحالی که تجارت را مجاز شمرده

است. این مطلب به این معنی است که اسلام هر نوع تجارتي را مجاز نشمرده است. اسلام می خواهد نه تنها تعیین بهره روی وام ها را که یک امر غیرعادلانه است ممنوع اعلام کند، بلکه در نظر دارد هرگونه معامله ناعادلانه و ضالمانه را نیز حذف کند. ربا ممنوع شده است به این دلیل که قوانین فقهی پذیرفته شده به صورت یکپارچه بر این موضوع دلالت دارند که هر چیزی که وسیله ای برای انجام یک فعل غیرقانونی باشد، خود این وسیله نیز غیرقانونی بوده و استفاده از آن ممنوع است. از آنجایی که راه های مختلفی برای اخذ ربا وجود دارد، پیامبر اعظم(ص) به همه مسلمانان هشدار می دهد تا مبادا مورد نیرنگ و سوء استفاده دیگران قرار گیرند. این دلیلی است بر سخن پیامبر اکرم(ص) که فرمودند: (هر چیزی که کوچکترین شکی نسبت به آن پیدا کردید، آنرا رها کنید تا به خطا و گناه و مخالفت با حکم شرعی نیفتید.

از نظر اصطلاحی ربا به معنای شک و تردید ذهنی نسبت به صحت و درستی درآمد کسب شده است. پیامبر اعظم(ص) راه بوجود آمدن ربای فضل را بیان فرموده است، که به شرح زیر می باشد:

اولین راه بوجود آمدن ربای فضل، استثمار در تجارت است که در خلال استفاده از وسایل ناعادلانه به یکی از طرفین تحمیل می شود، هرچند که ظاهر تجارت حفظ شده باشد. پیامبر(ص) این مورد از ربا را مثل فریب دادن فرد تازه وارد و بی تجربه به بازار تجارت می داند که حتماً منجر به مغبون شدن او خواهد شد یا مثل معاملات صوری در بازار جهت افزایش صوری قیمت بر می شمارد.

دومین راه بوجود آمدن ربای فضل، دریافت مبلغی اضافی به عنوان پاداش در ازای قضاوت یا پیشنهاد و یا شهادت به نفع یکی از طرفین معامله و یا انجام یک امر خیر و عوام پسند به صورت آشکارا اما به قصد دریافت مبلغ اضافه مالی از یکی از طرفین است. هردو مورد در زمره ربای فضل است چرا که مبلغ دریافتی به ناحق بوده است.

سومین راه بوجود آمدن ربای فضل، معاملات پایاپای است که در این معاملات میزان و مقدار کالاها به طور دقیق و درست اندازه گیری نمی شود. به عبارت دیگر در این معاملات نبود یک وسیله دقیق ارزش گذاری اقتصادی کالاها مبادلاتی مشکل اساسی است.

چهارمین راه بوجود آمدن ربای فضل که مورد توجه ویژه فقها بوده و در احادیث موثقه زیادی هم آمده است، این است که ضمن مبادله دو کالای مشابه باید تعداد یا وزن آنها یکسان باشد و معامله هم به صورت نقدی صورت پذیرد. البته اگر کالاها متفاوت باشند اختلاف تعداد یا وزن در آنها اشکال ندارد، ولی مثل حالت اول معامله باید حتماً به صورت نقدی انجام گیرد.

بنابراین از مجموع این موارد این چنین بر می آید که ربا باید از معاملات حذف شود و احادیث بسیاری هم موید این مطلب است. گفتنی است موضوع دیگری که از این احادیث برداشت می شود و فقها هم به آن اشاره کرده اند، ممنوعیت آتی های ارزشهای خارجی است. زیرا اگر نرخ مبادله آتی های یک ارز، از قبل تعیین شده باشد با تغییر نرخ بازار ارز یکی از طرفین به شکل ناعادلانه زیان خواهد دید. به این

خاطر شارع دستور داده است که ارز بر اساس نرخ رایج بازار و در تاریخ انتقال کالا صورت پذیرد. البته پوشش ریسک، یک نوع کنترل ریسک است که نوسانات به وجود آمده در بازار را می تواند پوشش دهد و تعدیل کند که مطابق با موازین شرعی مجاز شمرده شده است. امام رازی در مقابل این سوال که آیا مطالبه بهره از فردی که قصد دارد مبالغ قرض گرفته را در تجارت به کار گیرد و از این طریق سود بدست آورد، اشتباه است یا خیر چنین پاسخ می دهد که به دست آوردن سود امری نامطمئن است ولی مبلغ بهره از پیش تعیین شده و امری مشخص است. سود ممکن است حاصل شود و یا نشود، لذا اینجا جای هیچ شکی نیست که امری معین و مشخص در بازده در مقابل امری نامشخص و نامطمئن قرار گرفته که مستلزم تحمیل زیان به یکی از طرفین خواهد بود.

به طور کلی، ربا در تعارض با تأکید صریح و آشکار اسلام بر عدالت اجتماعی - اقتصادی می باشد. سرمایه گذار نمی خواهد تا ریسکی بیشتر از اصل مبلغ وام خود را تحمل کند. کسانی که اصرار به مطالبه ربا علی رغم ممنوعیت آن دارند، بنا به آیات شریفه قرآن اعلان جنگ با خدا و پیامبر نموده اند. اکثر معاملات مبتنی بر ربا که در مباحث کلاسیک در ارتباط با ممنوعیت ربا ذکر شده اند، مبتنی بر قرض هایی بود که قبایل از یکدیگر می گرفتند. هر قبیله نقش یک شریک بزرگ را در یک شراکت ابفا می کرد اسلام ماهیت این ارتباط مبتنی بر بهره را منسوخ کرده و ارتباط آن را بر اساس نظام مبتنی بر مشارکت در سود و زیان (PLS) پذیرفته است.

قرض گیرنده سهم مشخص خود را به دست می آورد و همچنین سهم قرض دهنده به شرایط اقتصادی بستگی دارد. به این ترتیب که در شرایط رونق و توسعه اقتصادی سهم خوبی برده، اما در شرایط بد اقتصادی ممکن است چیزی عایدش نشود و در زیان شریک شود. لازم به ذکر است فقط نظام سهم بری در سود و زیان (PLS) است که از سوی شرع مجاز شمرده می شود. (عیوض لو & بکی حسکوئی، ۱۳۸۸)

تبعات ربای نسیه و ربای فضل

خطاب آیه شریفه ۲۷۵ سوره بقره که مربوط به بحث ربا است مشتمل بر هر دو نوع ربا یعنی ربای فضل و ربای نسیه می شود. (احل الله البیع و حرم الربا) خداوند تجارت را حلال و ربا را حرام دانسته است. ربای نسیه مرتبط به بحث وام است و در قسمت دوم آیه به آن پرداخته شده است، ولی ربای فضل مربوط به بحث تجارت است و در قسمت اول آیه به آن پرداخته شده است. اینکه با یک سرمایه مشخص به تجارت حلالی مشغول شویم، معنایش این نیست که استفاده از هر امری و به هر شیوه ای در این مسیر مجاز باشد. از آنجا که ربا باعث ناعدالتی می شود، ممکن است همین ناعدالتی در ضمن معامله بر روی کالاهای مختلف، ارز و... نیز محقق شود. بر این اساس ربای فضل را به هرگونه سوء استفاده، تحمیل ناعدالانه و بهره برداری نادرست در انجام معاملات مختلف نسبت داده اند. بنابراین فروشندگان و خریداران باید آگاهی کافی از قیمت های رایج کالاها و خدمات موجود در بازار و همچنین کیفیت آنها

داده باشند که این آگاهی های ضروری راه های سوءاستفاده و بهره برداری نادرست از هریک از طرفین را مسدود می کند. بنابراین هر نوع تجارتي که منجر به فریب یک طرف و یا سوء استفاده از او شود حرام بوده و باید ممنوع گردد. (عیوض لو & بکی حسکوئی، ۱۳۸۸)

ادبیات و پیشینه تحقیق

در مطالعه ای، با اشاره به توانمندیهای بالقوه بانکداری اسلامی، اهم مشکلات پیشروی آن را که مانع گسترش فعالیت آنها میشود، برشمرده شده و برای هر یک، راهکاری ارائه داده اند. اهم معضلات عبارت اند از اختلاف نظر فقها در مباحث فقهی، فقدان چارچوب نهادی مشخص، محدودیت بازارها و ابزارهای مالی، مشکلات عملیاتی، مدیریت ریسک و حاکمیت شرکتی. (منظور & همکاران، ۱۳۸۷)

نادری و صادقی (۱۳۸۲) بررسی کارایی بانکهای غیررئبوی و بانکهای ربوی را با استفاده تحلیل پوششی دادهها به انجام رسانند. به این منظور ۴۱ بانک اسلامی در سال ۲۰۰۰ و ۴۶ بانک اسلامی در سال ۲۰۰۱ م انتخاب شدند و بانکهای کارا از میان این مجموعه مورد بررسی قرار گرفت در مرحله بعد ۴۶ بانک ربوی نیز انتخاب شد و کارایی آنها در مقایسه با بانکهای غیررئبوی در سال ۲۰۰۱ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان میدهد بین بانکهای غیررئبوی، آن دسته که در رقابت با بانکهای ربوی بودهاند از کارایی بیشتری داشته اند. (نادری & صادقی، ۱۳۸۲)

داودی و عیسوی (۱۳۸۹) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که فقدان نرخ بهره در بانکداری اسلامی، مهمترین مزیت این سیستم بوده زیرا آنچه در سیستم سرمایه داری باعث ایجاد بحرانهای متعدد شده، وجود نرخ بهره و انگیزه سفته بازی پول بوده است. در سیستم مالی اسلامی که نرخ بهره حرام است، وقوع چنین بحرانهایی اصالتاً منتفی بوده و، در نتیجه، کارایی این سیستم در مقایسه با سیستم مالی سرمایه داری افزایش می یابد. (داوودی & عیسوی، ۱۳۸۹)

بانکی اسلامی نامیده که بر مبنای احکام شریعت عمل کند. تفسیر مسائل شرعی برعهده فقها است. این درحالی است که علمای مکاتب و مذاهب مختلف اسلامی، مانند تشیع و شافعی هرکدام دیدگاه متفاوتی دارند. نظام بانکی اسلامی بر مبنای تعریف ها و تفسیرها و فتوهای فقها شکل می گیرد. در صورتی که این تعاریف و مبانی یکسان نباشند، اجزای این سیستم نمی توانند با یکدیگر هم خوانی و تعامل مناسب داشته باشند و در نتیجه کلیت نظام بانکی اسلامی در سطح جهانی دچار خدشه می شود. این اختلاف ها در بلند مدت مانع رسیدن بانک داری اسلامی به الگوی واحد جهانی می گردد. برای مثال اختلاف نظر درباره بحث جریمه تاخیر تادیه بدهی های ناشی از فروش نسبه، گرفتن کارمزد برای ضمانت بانکی و خرید و فروش ارز برای بانکداران اسلامی ابهامات فراوانی را ایجاد کرده است. (محقق نیا، ۱۳۹۳)

بانک های سرمایه گذاری به جهت ایفای نقش دوگانه برای خرید شرکت ها و ارزیابی قیمت سهام شرکت ها در معرض مسئله تضاد منافعد؛ چراکه بخش تحقیقات باید به عنوان دآوری منصف ارزش واقعی شرکت را به اطلاع عموم برساند، در حالی که بخش سهام به عنوان فروشنده سعی می کند

بالاترین قیمت را برای سهامی که نمایندگی میکند، به دست آورد. تسانی بین دو بخش ممکن است به اعلام ارزش بالاتر از میزان واقعی برای سهام شرکت های مرتبط با بانک منجر شود. قوانین بانک های سرمایه گذاری به این موضوع بسیار حساس بوده و هر نوع ارتباط و تبادل اطلاعات بین دو بخش بانک را ممنوع می کنند. (آل اسحاق، ۱۳۸۸)

بانک های توسعه ای، موسساتی مالی هستند که سرمایه را با شرایط مناسب تجهیز می کنند تا در فعالیت های تولیدی، از سوی خود با دیگران و یا مشترکا در راستای اهداف برنامه های توسعه اقتصادی کشور به شکلی مطلوب سرمایه گذاری کنند. وجه تمایز بانک توسعه ای با سایر انواع بانک ها در میزان توجه آنها به سودآوری است. بانک توسعه ای در پی بهینه کردن سود است، درحالی که بانک های غیر توسعه ای عموماً به دنبال به حداکثر رسانیدن سودند. (ایرانمنش، ۱۳۸۱)

طی دهه ۱۹۷۰ گرایش بیشتری به سمت ارزیابی توسعه اقتصادی بر اساس متغیرهای اقتصادی شکل گرفت. در این گرایش جدید، کاهش و یا از میان رفتن فقر، نابرابری و بیکاری نیز به عنوان شاخص های توسعه شناخته شدند. دو بانک اصلی توسعه صنعتی در ایران و بانک اعتبارات صنعتی و معدنی در این دوره و با حمایت های فراوان بانک جهانی تأسیس شدند. (سلطانی عویق، ۱۳۸۵)

بانک تجاری تحت شرایط مشخصی به افراد وجه نقد می پردازد. بدین ترتیب که مشتری متقاضی وام با بانک وام دهنده تماس گرفته و برای دریافت وام اطلاعات مورد نیاز بانک، مانند مبلغ وام، مصرف وام، دوره بازپرداخت آن، روش باز پرداخت و وثیقه را در اختیار بانک می گذارد. و در صورت توافق بانک، موافقت نامه بانک را امضاء می کند و بعداً بانک وام را می پردازد. قاعدهتاً نرخ بهره وام از نرخ اعتبارات و نرخ تنزیل بالاتر است. (فراهانی، ۱۳۸۶)

بانک داری جامع عبارت است از: (بانک هایی با مقیاس بزرگ با شعب فراوان که زنجیره کاملی از خدمات بسیار متنوع بانکی، همچون سپرده پذیری، وام دهی، خرید و فروش ارز، صدور وثیقه ها و ضمانت نامه، خرید و فروش اوراق بهادار و مدیریت سبد سهام ارائه می کند. به صورت مختلف شامل سهام و قرض) با بنگاه های اقتصادی مراد دارد و از آنها طلب کار است و به صورت مستقیم در مدیریت بنگاه هایی که به بانک مراجعه می کنند، دخالت می کند. بنابراین جامعیت منوط به گسترش سائز است و افزایش سائز منوط به جمع آوری منابع از طریق شبکه شعب است. (Calomiris, 1995)

فراهادی فرد و همکاران (۱۳۹۱) ۵۰ بانک اسلامی و ۵۰ بانک غیراسلامی را، در سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ م، با استفاده از روش تحلیل پوششی دادهها مورد بررسی قرار دادند. نتیجه آنکه بانکهای اسلامی در مقایسه با بانکهای غیراسلامی کارا تر عمل کرده اند. (فراهادی فرد، ۱۳۹۱)

در مجموع، بحران مالی، از یک سو، عملکرد مؤسسات مالی و بانکها را در نظام سرمایه داری دچار اختلال کرد و، از سوی دیگر، هزینه های اقتصادی و اجتماعی را به دنبال داشت. در مقابل، بانکهای اسلامی از تلاطم های مالی نظام سرمایه داری مصون ماندند. به عنوان نمونه در سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸

م، در بانک های اسلامی کاهش سودآوری در آنها به طور متوسط برابر با $\frac{8}{3}$ درصد بوده اما سودآوری در بانکهای مرسوم یکباره $\frac{34}{1}$ درصد کاهش یافت. رشد اعتبارات در بانکهای اسلامی ($\frac{25}{4}$ درصد) در مقایسه با بانکهای مرسوم (۱۷ درصد) بهتر بوده و رشد داراییها نیز در بانکهای اسلامی برابر با $\frac{20}{8}$ درصد و در بانکهای مرسوم برابر با $\frac{7}{2}$ درصد بوده است. (ماهر و & دریدی، ۱۳۹۳)

فرهی و کودلی با بررسی کشورهای عضو MENA و با استفاده از تحلیل پوششی دادهها و رهیافت مرز تصادفی به بررسی کارایی بانکهای اسلامی و غیراسلامی پرداختند. در مدل تحلیل پوششی داده ها و با فرض نرخ بازده متغیر نسبت به مقیاس، بانکهای غیراسلامی کارایی بیشتری داشتند. اما در شخص های دیگر نتیجه بر عکس بود. (Ridha , 2015 & Ferhi)

روش تحقیق: به صورت توصیفی و تحلیلی و استدلالی می باشد و از منابع و متون معتبر کتابخانه‌ای، استنادی و شبکه جهانی اینترنت نیز استفاده شده است. از نظرات متخصصان و کارشناسان خبره در این حوزه و اساتید دانشگاهی نیز برای افزایش غنای نتایج کمک گرفته شده است. از روش دلفی تعدیل شده جهت تایید نتایج استفاده گردید.

جدول ۱- تایید نتایج به روش دلفی

| ردیف | عنوان | تعداد نظرات تایید نتایج |
|------|--|-------------------------|
| ۱ | دوره گذار از بانکداری بدون بهره به الگوی دارایی محور | ۷ |
| ۲ | قیمت گذاری خدمات مالی اسلامی | ۸ |
| ۳ | حفاظت از اصول سرمایه گذاری در سهام و اوراق بهادار | ۷ |
| ۴ | نوآوریهای مالی اسلامی | ۷ |
| ۵ | قانونمند کردن خدمات مالی اسلامی | ۸ |
| ۶ | حرکت به سوی نظریه بنگاه مالی اسلامی | ۹ |
| ۷ | بانکداری بدون ربا | ۷ |

بحث و نتیجه گیری: فقدان نرخ بهره در بانکداری اسلامی، مهمترین مزیت این سیستم بوده زیرا آنچه در سیستم سرمایه داری باعث ایجاد بحرانهای متعدد شده، وجود نرخ بهره و انگیزه سفته بازی پول بوده است. در سیستم مالی اسلامی که نرخ بهره حرام است، وقوع چنین بحرانهایی اصالتاً منتفی بوده و، در نتیجه، کارایی این سیستم در مقایسه با سیستم مالی سرمایه داری افزایش می یابد. بررسی ها نشان می دهد برای اینکه بانک ها تبدیل به بانک اسلامی شوند لازم است شرایطی را که مد نظر

بانکداری اسلامی است را در خود ایجاد و استقرار سازند. این شرایط بر گرفته از فقه اسلامی می باشد
مانند:

- ۱- دوره گذار از بانکداری بدون بهره به الگوی دارایی محور
- ۲- قیمت گذاری خدمات مالی اسلامی
- ۳- حفاظت از اصول سرمایه گذاری در سهام و اوراق بهادار
- ۴- نوآوریهای مالی اسلامی
- ۵- قانونمند کردن خدمات مالی اسلامی
- ۶- حرکت به سوی نظریه بنگاه مالی اسلامی
- ۷- بانکداری بدون ربا



منابع و مأخذ:

Afifa Ferhi و Chkoudali Ridha. (۲۰۱۵). Islamic and Conventional Banks: Efficiency and Stability During the Current Crises *Journal of Research in Economics and International Finance* , Vol. 4. (۲)

پرویز داوودی، و محمود عیسوی. (۱۳۸۹). بحرانهای اقتصادی و راهحل اقتصاد اسلامی. *مجله اقتصاد*.
C W Calomiris. (۱۹۹۵). *Universal Banking, Financial History* ..London: Some Lessons from History.

آ سلطانی عویق. (۱۳۸۵). بانک داری توسعه ای از پیدایش تا کنون (بازارهای پول و سرمایه). *روزنامه اطلاعات*، ۲۰.

حسن آقا نظری. (۱۳۸۷). نظریه مشارکت در سود و زیان، چالشها و راهکارها. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*.
حسین عیوض لو، و یکی حسکوئی مرتضی. (۱۳۸۸). *بانکداری و تأمین مالی اسلامی*. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

داوود منظور، و همکاران. (۱۳۸۷). بانکداری اسلامی در رقابت با بانکداری متداول: موانع و چالشهای پیش رو. *مجموعه مقالات نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی*.
سعید فراهادی فرد. (۱۳۹۱). مقایسه تطبیقی کارایی بانکهای اسلامی و غیراسلامی: مطالعه موردی تأثیر بحران ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*.

علی اصغر سالم، و همکاران. (۱۳۹۴). مقایسه کارایی بانکهای اسلامی و بانکهای سرمایه‌داری در بحران مالی و بحران اقتصادی. *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاستهای اقتصادی*.

کزج نادری، و محمود صادقی. (۱۳۸۲). بررسی کارایی بانکداری بدون ربا در کشورهای مختلف و مقایسه بانکهای ربوی در جهان. *فصلنامه پژوهشهای اقتصادی*، شماره ۹ و ۱.

م ایرانمنش. (۱۳۸۱). بانک داری توسعه ای. *مجله بانک و اقتصاد*.

م فراهانی. (۱۳۸۶). *زمان، پول، ارز و بانکداری*. تهران: ترمه.

ماهر، و دریدی. (۱۳۹۳). *بانک داری اسلامی*. *بانک داری اسلامی*.

محمدجواد محقق نیا. (۱۳۹۳). *الگوی بانک داری اسلامی*. قم: نشر المصطفی.

یحیی آل اسحاق. (۱۳۸۸). *ضرورت تشکیل بانک های سرمایه گذاری/اعتماد*.